

A Documentary Investigation about Nader Shah and the Religious Scholars of Astan Quds Razavi



Zahra Abdi¹

Abstract

Afsharid and Zand periods as short and transitional period (1135-1210 AH) was between the Safavid and Qajar periods. Although the interaction between religion and government was at the highest level in the last two periods, in Afsharid there was no interaction and in Zand period it was limited. After the fall of Safavid dynasty, Afsharid government did not support religious scholars officially, and the scholars were not active in politics domain. Migration to Atabak Aliyat and India and secluding in cities and villages indicate their absence in political issues. Historical studies show that due to Nader Shah's approach to religious issues and breaking away from the religious activities of Safavids, religious scholars could continue their education and propagation activities. A good instance is the scholars who stayed in the Holy Shrine of Imam Reza and engaged safely in their educational activities. Other examples are the religious activities of such outstanding scholars as Khatounabadi, Khansari, Majlesi, and Tabatabai. Such examples show that though Afsharids did not politically support Safavid Shi'ism and pertaining religious activities of society due to external reasons and internal legitimacy, religious scholars and those of responsible of religious affairs performed their social activities in the society.

Keywords: Afsharid, Nader Shah, Documents, Religious Scholars of Mashhad, Astan Quds Razavi

1. PhD in Iranian Islamic History, Shiraz University.



رویکرد دینی نادرشاه و حضور علمای مدرّس آستان قدس رضوی

زهرآبدی^۱

چکیده

دوره افشاریه و زندیه به عنوان یک دوره گذار و کوتاه مدت (۱۱۳۵-۱۲۱۰ق) بین دو دوره صفویه و قاجاریه قرار گرفته است. اگرچه تعامل نهاد دین و دولت در دو دوره اخیر به صورت حداکثری بود، اما در دوره افشاریه و زندیه به ترتیب در عدم تعامل و تعامل محدود بوده است. بعد از سقوط صفویه علمای دینی مورد حمایت رسمی حکومت افشاریه قرار نگرفتند و حضور کم رنگی در فعالیت های سیاسی داشتند. مهاجرت به عتبات عالیات و هند، عزلت و گوشه نشینی در شهرها و روستاها نمودی از عدم حضور آنان در مشارکت های سیاسی بود. تحقیقات تاریخی نشان می دهد که با وجود رویکردهای دینی نادرشاه و گسستن از شیوه های مذهبی صفویان، علمای دینی به فعالیت های آموزشی و تبلیغاتی خود ادامه می دادند. یک نمونه آن، علمای مقیم آستان مقدس رضوی هستند که با امنیت به کار آموزشی خود مشغول بودند. چنین مصداق هایی نشان می دهد که اگرچه رویکرد دینی حکومت افشاریه به لحاظ سیاسی (به دلایل خارجی و مسئله مشروعیت داخلی) عدم حمایت رسمی از نهاد دینی و تشیع صفوی و فعالیت های مربوط به آن بود، اما علما و متولیان امور دینی به فعالیت های مذهبی در سطح اجتماعی ادامه می دادند.

واژگان کلیدی: افشاریه، نادرشاه، اسناد مالی، علمای مشهد، آستان قدس رضوی

۱. دکتری، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، ایران.

مقدمه

هدف از این پژوهش، بررسی وضعیت و جایگاه علمای مدرس و مقیم آستان قدس رضوی در دوره نادرشاه است. به عنوان پیش زمینه بررسی روابط دو نهاد دین و دولت در دوره افشاریه به این دلیل مورد نظر است که به عنوان یک دوره گذار بین دوره صفویه و قاجاریه قرار دارد. در دوره صفویه و قاجاریه حضور علمای شیعه در عرصه اجتماعی و سیاسی پررنگ و متعاقباً تعامل حداکثری بین نهاد دین و دولت برقرار بود. مسلماً آرامش داخلی و تثبیت حکومت های صفویه و قاجاریه باعث شد تعامل دوسویه بین متولیان امور دینی و سیاسی برقرار شود، اما این تعامل در دوره گذار وجود نداشت. بعد از سقوط صفویه و حضور افغان ها (۱۱۳۵-۱۱۴۲ق) جنگ و عدم امنیت اجتماعی جامعه را آشفته ساخت. همچنین در دوره افشاریه (۱۱۴۸-۱۱۶۰ق)، حکومت ثبات چندانی نداشت و هرج و مرج اجتماعی باعث رکود فعالیت های اقتصادی و تنزل سطح اخلاق و فرهنگ اجتماعی شد. نادر با تکیه بر سپاه و نیروی جنگاوری و سلحشوری مشروعیت یافت و در اعاده حاکمیت سیاسی ایران کوشید، اما بحران های سیاسی مختلف نظیر شورش مدعیان سلطنت و سایر معترضین داخلی، تجاوزهای مرزی و غیره، فضایی برای بالندگی نهاد دینی فراهم نکرد. در این زمان، اولویت با مسائل سیاسی و نظامی بود. وجود شاخص هایی چون حضور کم رنگ علمای شیعه در ساختار حکومت و به حاشیه رانده شدن آنان، تنزل مقام و وظایف متولیان امور دینی، محدود شدن فعالیت های آموزشی علمای شیعه، ضبط اوقاف و محدودیت شدید منابع مالی علمای شیعه و مهاجرت آنان به سرزمین های مجاور، نشان هایی از تعامل حداقلی نهاد دین و دولت در دوره افشاریه است.^۱

نتایج تحقیقات داخلی و خارجی با تکیه بر منابع تاریخی عصر نادر مطالب ارزنده ای در زمینه وضعیت علما ارائه داده است. این نتایج ضمن توصیف وضعیت دینی جامعه و مقایسه آن با دوره صفویه، رویکرد مذهبی نادر را به بحث و بررسی گذاشته و نظریه های متفاوتی را نیز سبب شده است. علاوه بر این، کمبود منابع اصیل و به دور از دربار و همچنین فقدان اسناد، تحقیقات را نیمه تمام گذاشته است. با تکیه بر جریان علمی که در هر زمان تکمیل کننده تحقیقات سابق بوده و به یمن دسترسی به اسناد معتبر و اصیل، شاید بتوان رویکرد مذهبی در غبارگرفته نادرشاه را روشن تر کرد. تحقیقات تاریخی تا آنجا که منابعی وجود

۱. جهت اطلاع بیشتر به رساله دکتری «مناسبات دین و دولت در دوره افشاریه و زندیه»، مراجعه شود.

داشته است، شرایط دینی دوره افشاریه را توصیف و نظریه‌هایی درباره مذهب نادر در قالب کلماتی چون بی‌مذهب، سنی یا شیعی مذهب ارائه می‌کند، اما مهم نه تفسیرها، بلکه در درجه اول رویدادهای واقعی است که در زمان او اتفاق افتاده و به عنوان زمینه و بستر تحلیل مورد توجه قرار می‌گیرد. این پژوهش ضمن تأیید تحقیقات سابق و با تکیه بر اسناد موجود (این اسناد صرفاً مالی و مربوط به پرداخت مقرری مدرسان و سایر متولیان امور آستانه است)^۱ در مرکز اسناد آستان قدس رضوی، جایگاه علمای مقیم آستان رضوی را بررسی و به این نتیجه می‌رسد که به طور حتم علمای دینی فقط در عرصه سیاسی به کنار نهاده شدند و این به معنای حذف مذهب و ضد مذهبی بودن نادرشاه نبوده است.^۲ مسلماً مشروعیت نادرشاه در مغایرت با مشروعیت دینی دوره صفویه بود و متولیان دینی حاضر در دستگاه سیاسی که حامی خاندان صفوی بودند، کنار گذاشته شدند. حضور روس‌ها و ترک‌ها در شمال و غرب و حکومت نابسامان و بیگانه افغان‌ها در ایران، هیچ الزام و اقدامی را ضروری‌تر از فعالیت‌های نظامی باقی نمی‌گذاشت. اگرچه تدبیر نادر برای بهره‌وری از مشروعیت اولیه نظامی و رهاسازی ایران از خطر بیگانگان ضعیف بود و به خاطر تغییر مبنای مشروعیت سیاسی و حل کشمکش‌های مذهبی با عثمانی نهاد دینی را مورد حمایت قرار نداد، اما این رویکرد صرفاً در حوزه مناسبات رسمی دین و دولت قابل تأیید بود و ارتباطی به حوزه وضعیت مذهبی عامه مردم فلات ایران ندارد. چه بسا علمای بسیاری در حاشیه شهرها و روستاها به حیاتشان ادامه دادند و محبوبیتشان را در میان مردم حفظ کردند. علمای مقیم آستان مبارکه به بحث و تدریس خود مشغول بودند و از درآمد اوقاف مشهد کسب معاش می‌کردند. نادر با ارادت به امام رضا(ع)، تولیت آستانه را محترم دانسته و تا پایان مرگ حتی به خاندان مرعشی که نسب صفوی داشتند، با احترام رفتار کرد. در نتیجه، می‌توان بیان داشت علما در سطح اجتماعی به فعالیتشان ادامه می‌دادند (هرچند که به دلیل عدم حمایت رسمی حکومت گستردگی دوره صفویه را نداشت) و حضور آنان و میزان موقوفات آستانه، دال بر این دریافت است. بنابراین،

۱. درباره اسامی مدرسین مذکور در اسناد انتخابی هیچ اطلاع در دست نیست. مثلاً سندی که میزان مقرری عبدالعلی مدرس و یا آقا محمدحسین مدرس را بازگو می‌کند، هیچ اطلاع و گزارش دیگری نمی‌دهد. اسامی بدون نام خاندان و بدون نسب و ذکر نام والد است. درباره علمای دینی معروفی مثل بهیانی یا بحرینی یا اخباری و غیره که در دوره افشاریه در قید حیات بوده‌اند، اطلاعات در دسترس است، اما با رؤیت یک نام تنها در سند مالی و فقدان سایر منابع تاریخی و رجالی درباره علما و مدرسان مقیم آستان مبارکه در دوره افشاریه، هیچ قضاوتی نمی‌توان ارائه داشت. در این پژوهش از نام (مدرسی) این دسته از علما بهره گرفته تا در تأیید سایر نظریات تحقیق استفاده شود.
۲. تحلیل رویکرد دینی نادرشاه در مقاله‌های نگارنده، در فصلنامه شیعه‌شناسی قابل دسترس است.

ضدمذهبی بودن نادر، نظریه‌ای فارغ از تکیه بر منابع است.

پیشینه پژوهش

با وجود تحقیقات فراوان درباره علمای دوره صفویه، دوره افشاریه به دلیل کمبود منابع مربوطه، کمتر موردبررسی قرارگرفته است. فقدان منابع اصلی درباره وضعیت اجتماعی و دینی، موجب محدودیت محققان شده است. از سویی دیگر، محققان به دلیل پررنگ بودن مسائل سیاسی این دوره علاقه‌مند بوده‌اند بیشتر درباره اوضاع سیاسی قلم‌فرسایی کنند. هیچ تحقیق جامعی تاکنون به‌طور مجزا درباره نهاد و اندیشه دینی سده دوازدهم هجری صورت نگرفته است. به دلیل اوضاع سیاسی ناآرام پس از سقوط صفویه، منابع دوره افشاریه بیشتر به حوادث سیاسی و نظامی پرداخته‌اند و در مورد موضوع علمای دینی می‌بایست به سایر منابع رجال‌شناسی و فقهی توجه نمود. تحقیقات جدید نیز هرکدام به جزئی از مطلب پرداخته و یا در حاشیه آن را عنوان داشته‌اند. در کمتر تحقیقی به اسناد توجه شده و صرفاً منابع تاریخی تروق شده است. تحقیقات ارزشمند رضا شعبانی و لارنس لاکهارت به‌اختصار سیاست مذهبی نادر را بازگو کرده، اما فاقد تحلیل است. از میان تحقیقات، می‌توان به «تشیع در دوره نادرشاه افشار»، نوشته پرویز فتح‌الله‌پور اشاره کرد. در این مقاله، نویسنده سیاست‌های نادر نسبت به تشیع را موردبررسی قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال، گرایش‌های او به ائمه شیعه قبل از سلطنت، منع لعن خلفای راشدین و غیره. نتیجه او این است که رفتارهای نادر صرفاً سیاست بوده است. بااینکه رویکرد دینی نادرشاه در این مقاله موردتوجه بوده، اما محقق به علمای شیعه و وضعیت آنان به‌طور مصداقی توجه نکرده است.

رسول جعفریان در «نادرشاه و مسئله تقریب» و رمان سمباتیان در مقاله «سیاست مذهبی نادرشاه در قفقاز»، سیاست مذهبی نادر را از یک بعد بررسی کرده‌اند. در این بین، مقاله بسیار ارزشمند زهرا فاطمی‌مقدم درباره موقوفات دوره افشاریه با عنوان «سیاست‌های وقفی عصر نادر و موقوفات آستان مقدس رضوی» می‌تواند آن پازل گمشده‌ای باشد که نتایج علمی‌تری را رقم بزند. همچنین بررسی چند سند درباره وضعیت مدرسین آستان مقدس رضوی در مسیر شناخت رویکرد دینی دوره نادرشاه مفید خواهد بود.

سال اول، شماره دو، دوره جدید، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی در پژوهش‌های تاریخی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. اسناد مورد استفاده در تحقیق کاملاً گزینشی و نماینده ۱۳۲ سند درباره مقرری مدرسین آستان قدس رضوی در دوره افشاریه است که در محل سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. این اسناد مربوط به پرداخت‌های مالی است و اطلاعاتی از شرح وظیفه آنان در دست نیست.

رویکرد دینی نادرشاه

تاکنون پژوهشگران نظرات مختلفی درباره مذهب نادرشاه ابراز داشته‌اند. دکتر رضا شعبانی در نظریه‌های مختلف و در کتاب‌های مربوط به دوره افشاریه او را شیعه مذهب و برآمده از جامعه شیعه می‌داند. هنوی معتقد است که وی پیرو اهل سنت بوده است. (هنوی، ۱۳۸۳: ۶۹) باین حال، رفتارهای متفاوت نادر قبل و بعد از سلطنت و تا جایی که منابع آن را ذکر کرده‌اند، همگی نشان‌دهنده این است که او اگرچه شیعه بود، اما اعتقادات عمیق مذهبی نداشت. به‌طورکلی نگاه نادر به مذهب و وضعیت مذهبی مردم بنا بر سیاست‌هایش بود. منابع داخلی عصر نادرشاه هرگز او را سنی مذهب خطاب نکرده‌اند، بلکه ارادت او به حضرت علی (ع) را در زمان‌های مختلف گزارش داده‌اند، چنانکه اگر نادرشاه پس از قدمت طولانی استقرار مذهب شیعه در ایران، سنی مذهب بود و علیه مردم شیعه اقدام می‌کرد، بی‌شک حداقل در یک منبع ذکر می‌شد. به احتمال فراوان، عدم تعصب او نسبت به تشیع و تسامح مذهبی او نسبت به اهل سنت که بر اساس سیاست‌های وقت بود، باعث شده است عده‌ای از محققین او را سنی مذهب فرض کنند. (همان: ۴۲)

بررسی اقدامات نادرشاه در زمینه اوقاف می‌تواند برطرف‌کننده ابهامات دیگری درباره رویکرد دینی او باشد. قابل ذکر است که او نه تنها برای ارض مقدس عتبات و عالیات، بلکه برای مرقد امام رضا (ع) موقوفاتی را در نظر بگیرد. در ۱۱۴۲ ق هنگامی که نادر توانست اصفهان را از تصرف افغان‌ها نجات دهد، از سوی شاه‌تهماسب دوم به این پاداش دست یافت که اداره امور خراسان و مالیات آن را در اختیار گیرد. او در همین زمان دستور داد در ولایت مزبوره سکه‌ای به نام «سلطان اقلیم ولایت علی بن موسی الرضا» زدند. (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۱۵۷) ارادت نادر به آستان مقدس امام رضا (ع) تا آخر عمر ادامه یافت، چنانکه «هرگاه به ارض

اقدس می‌رسید به زیارت می‌رفت» و برای پیروزی بر دشمنانش همیشه نذوراتی به آستان مبارکه می‌بخشید. (مروی، ۱۳۶۴: ۱/۱۶۰، ۱۶۹) نذر و بازسازی و مرمت گنبد و تالارهای این بنای مقدس نشان‌دهنده گرایش‌های شیعی نادرشاه بود. بر اساس گزارش‌های محمدکاظم مروی که شاهد عینی وضعیت مشهد بوده است، نادرشاه در جنگ کرنال بسیار به ائمه اثنا عشری استغاثه می‌کرد و می‌گریست و برای پیروزی از آنان استمداد می‌جست. (همان: ۷۲۴/۲) جنگ هند و به دنبال آن خوارزم و بخارا در ۱۱۵۱-۱۱۵۳ ق به پیروزی نادر ختم شد. از این رو، وقتی به مشهد بازگشت بقعه امام رضا (ع) را تعمیر کرد و «قندیل مرصع مینا که طعنه به قبه مینایی مهر و ماه می‌زد و همچنین قفل طلای گوهرآیین مرصع به جواهر ثمین ترتیب یافته نذر روضه مقدسه رضویه کرده و وضع هر یک در مکان موضوع له فرمودند». (همان: ۸۲۶؛ استرآبادی، ۱۳۴۱: ۴۶۱) مطلع الشمس هم از این رویدادها و هدایای نادرشاه یاد کرده است. او درب نقره ضخیم و ضریح مرصع را به نادر منسوب می‌داند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۲۶: ۱۳/۲، ۱۶، ۱۹) همچنین از قفل مرصع بزرگی یاد می‌کند که از فتح ترکستان نصیب او شده بود و آن را نذر آستانه کرد. (همان: ۳۴۰) بنا بر گزارش فردوس التواریخ، نادرشاه ایوان صحن عتیق را طلاکاری کرد و دستور داد سنگ‌های مرمر از آذربایجان آوردند و زیر بقعه مبارکه را سنگ فرش کرد. گلدسته طرف ایوان عباسی را بنا کرد که با دستور او در فصل زمستان و طی چهل روز بنای گلدسته را تذهیب کردند و در جای خود بسیار باشکوه و مستحکم بود. سقاخانه وسط صحن عتیق که با سنگ مرمر بود نیز از نادرشاه است که سنگ آن را از هرات آورد. همچنین مزرعه دهشک که ملک خاصه او بود، وقف آستانه شد: «چهارده زوج و ثلث مزرعه دهشک وقف شده که درآمد آن صرف حرم مطهر می‌شد». (مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۱۴۳-۱۵۷).

نکته تکمیل‌کننده و مهم دیگر که بی‌ارتباط با مقرری مدرسین هم نخواهد بود، مقایسه درآمد وقفی آستانه با دوره صفوی است. واضح است که متولی دور افشاریه به شدت زیر نظر حاکم سیاسی بود، درحالی‌که در دوره صفویه آزادی عمل بیشتری در تخصیص منابع مالی داشته است. هیچ سند و دستورالعمل مستقیمی از سوی نادر برای موقوفات آستانه در دست نیست، اما تغییرات زیادی در اسناد دوره افشاریه نسبت به دوره صفویه مشاهده می‌شود. نام مزارع و املاک، میزان محصول، نحوه پرداخت و غیره، اسناد بسیاری را در برمی‌گرفت که در دوره افشاریه از میزان آن کاسته شد. در طومار علیشاهی با ذکر اینکه تعدادی از موقوف به ضبط دولت نادر درآمد، دستور بازگشت آن‌ها به آستانه داده شده است، اما نکته

قابل توجه این که هیچ سندی مبنی بر اینکه املاک از حالت وقفی خارج و یا تبدیل به دارایی شخصی شده است، وجود ندارد. بنابراین، به گمان قوی، درآمد موقوفات به شدت تحت نظارت حکومت وقت افشاریه قرار گرفته بوده است، به نحوی که هرگونه پرداخت باید به نظارت دیوان عالی حکومت می رسید. در اسناد دیده می شود که متولی و ناظر موظف بودند تمام نیازهای مالی مجموعه را اعم از جنسی و نقدی که مربوط به «کارخانجات و غیره مستمریات و مواجب سرکشیکان و خدام و باقی منسوبان سرکار آستان عرش نشان» بود را به صورت مکتوب به «وزیر ارض اقدس» اطلاع دهند تا پس از آنکه موافق طومار تنظیم شده بر اساس «رقم مبارک اقدس، به وسیله» مستوفیان دیوان اعلی و یا صاحب جمع خزانه ارض اقدس، مورد تأیید قرار گرفته در عوض رسید به صورت شش ماهه به متولی تحویل داده شود. (فاطمی مقدم، ۱۳۹۱: ۴۶) مشخصاً در سندی دیگر مربوط به ۱۱۵۱ ق دستور داده شده است که کلیه جمع و خرج آستانه به نایب السلطنه رضاقلی میرزا داده شود تا تأیید گردد. (همان) مسلماً نادر درآمد اوقاف را در اختیار گرفت، درحالی که قبل از آن متولی بر همه جوانب آن قدرت داشت. نادر تخصیص درآمدها را تغییر داد و اسناد تا حدودی گویای این مسئله هستند. بعدها نادر میرزا و نصرالله میرزا به جواهرات ضریح دستبرد زدند، اما در دوره سلطنت شاه سلیمان ثانی، آن را به آستانه برگرداند (بسطامی، ۱۳۹۰: ۱۱۹) و جواهراتی که نادر برای مقبره خود در نظر گرفته بود و در ضریح امام رضا (ع) گذاشته بود را صرف آستانه کرد و تولیت را به فرزند خود میرزا داوود داد. (اعتماد السلطنه، ۱۳۲۶: ۳۴۱/۲)

درمجموع، می توان نتیجه گرفت که نادرشاه همچون سایر مسلمانان در برابر بعضی انگیزه های مذهبی نظیر زیارت آستان مقدس مشهد، عتبات عالیات و نجف اشرف، فروتن بود. او هر بار که در سفرهای جنگی اش - حداقل دو بار - به عتبات عالیات نزدیک شد، این اماکن را زیات کرد. بنابراین، چنین انگیزه هایی موضوعی جدا از سیاست مذهبی داخلی و خارجی او محسوب می شود. همچنین می توان بیان داشت روابط نادرشاه با علما متأثر از اعتقادات و سیاست های مذهبی او بود. او میانه خوبی با قشر روحانی نداشت و تکیه نظام حکومتی بر آنان را بی فایده می دانست، اما این نوع روابط هیچ ارتباطی به رابطه او با مذهب مردم نداشت. نادر نه می خواست و نه می توانست احتیاج مردم به مذهب را از میان بردارد، تنها اینکه او به روح مذهبی جامعه بی اعتنا بود.

وضعیت علما و مدرسین مشهد

در منابع تاریخی و بعضاً رجال‌شناسی، اطلاعات درباره رابطه نادر با علما بسیار اندک است. واقعیت حذف علمای دینی از ساختار سیاسی نمی‌تواند به معنای حذف این قشر از میان مردم باشد، کماکان که نادر هم به علمای برجسته احترام می‌گذاشت. حضور فعال مدرسین در مرقد مقدس امام رضا (ع) دال بر آن است. احترام او به خاندان خاتون‌آبادی (دوانی، ۱۳۷۲: ۴۱۹/۸)، خاندان خوانساری (حسینی یزدی، ۱۳۷۸: ۳۳۵؛ طهرانی، ۱۴۰۳: ۲۱۳/۲۳)، ملا اسماعیل خواجوی اصفهانی (رجایی، ۱۳۷۸: ۸-۹)، نورالدین جزایری و عبدالله شوشتری (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۹) و غیره نمونه‌ای از آن است. از سویی دیگر، منابع دسته‌ای دیگر از علما را معرفی کرده‌اند که در دوره نادرشاه دارای منصب امامت جمعه و یا شیخ‌الاسلامی بوده‌اند. مسلماً نادر بر این مناصب نظارت کلی داشت. عده دیگر هم در گمنامی و عزلت فرو رفتند و عده‌ای هم مهاجرت کردند.

زیارتگاه امام رضا (ع) و اماکن وابسته به آن از دوره صفویه رونق بالایی گرفت. دوره صفویه، زمان شکل‌گیری و گسترش تشکیلات اداری آستان قدس رضوی بود و سادات رضوی بسیاری از مشاغل را به طور موروثی از دوره صفویه تا پایان قاجاریه بر عهده داشتند. همزمان با حکومت شاه عباس و توجه او به امر وقف، موقوفات زیادی بر آستانه وقف شد. (حسن‌آبادی، ۱۳۸۲: ۳۵) سادات رضوی در این دوره مشاغلی مانند تولی، نظارت، سرکشیک، خادم‌باشی و خادمی، فراشی و غیره را در آستانه به عهده داشته‌اند. (همان) همچنین، عده زیادی طالب علم در آنجا حضور داشتند. اعتمادالسلطنه در دوره خود از ۷۰۰ خادم نام می‌برد و ذکر می‌کند که از قدیم‌الایام تولید آستانه با علمای مجتهد و رتبه بالا بوده است و قدرت و نفوذ آن‌ها را بیشتر از حاکم سیاسی می‌داند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۲۶: ۲۴/۲) نکته قابل توجه اینکه تولید مقدس آستان مقدس در دوره نادری ابقا بود و از موقوفات امرارمعاش می‌کرد. در دوره نادرشاه میرزا محمدتقی شاهی رضوی تولید را تا ۱۱۵۰ ق. بر عهده داشت. بعد از او در منابع از سید محمد معروف به سلیمان ثانی یاد شده است. (حبیب‌آبادی، ۱۳۶۲: ۷۱۱/۳-۷۱۲)

خاندان علمای مرعشی به عنوان تولید و نیز در مقام علمای والامقام، بعضاً در ارتباط با حکمرانان افشاریه قرار گرفتند. یکی از این افراد سید محمد مرعشی (م ۱۱۷۷ ق) بود. او در زمان حمله افغان از اصفهان همراه خانواده‌اش گریخت. از این زمان تا ۱۱۵۳ ق، سید محمد

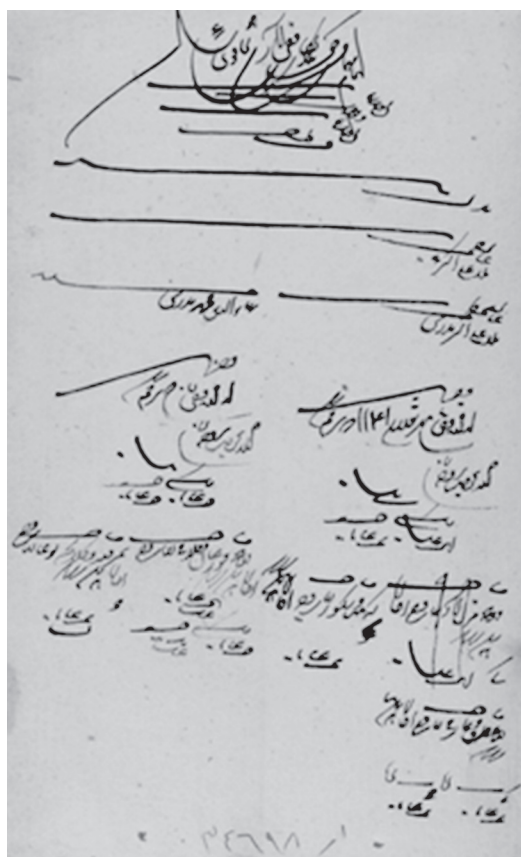
۱. سید احمد مرعشی از همین خاندان و مدعی حکومت صفوی بود که در زمان اشرف افغان در کرمان مغلوب شد.

مرعشی مدتی را در سبزوار، مازندران و اصفهان گذراند و مورد احترام همگان بود تا اینکه در این سال از طرف نادرشاه به مشهد فراخوانده شد و مقام صدارت و تولیت آستان قدس رضوی به او واگذار شد. بنا بر گفته منابع، این اعطای منصب به خاطر زیر نظر گرفتن او بود. (معلم حبیب آبادی، ۱۳۳۷: ۱/۱۶۳-۱۶۴؛ مرعشی صفوی، ۳۷۰۴۸: ۹۳) سید محمد مرعشی در ۱۱۵۴ق، هنگامی که نادرشاه راهی نواحی قفقاز بود، از طرف او مأموریت هایی را هم انجام داد. مثلاً در سفر به شکی و شیروان، مأمور حضور در اجلاسی شد که یهودیان، مسیحیان و علماء اهل سنت درباره حقیقت دین اسلام تشکیل داده بودند. او و چند نفر دیگر از علمای شیعه در آن جلسه حضور یافته و سید محمد گزارش مباحث آن را به نادر رساند. سید محمد بعد از مرگ نادرشاه وارد جریانات سیاسی شد. او مشهد را در برابر افغان ها محافظت کرد و دروازه شهر را بر علیقلی خان گشود و از طرف شاه جدید در مقامش ابقا شد و علاوه بر این منصب صدارت خاصه و عامه کل ایران را نیز به دست گرفت. او در لشکرکشی های عادشاه حضور داشت و پس از شکست او و جلوس ابراهیم میرزا بازم به احترام خاندان روحانی اش در مقامش ابقا شد. سلطنت سید محمد که در رقابت با شاهرخ و دست یافتن به تاج و تخت، نام سلیمان ثانی را به خود گرفته بود، چندان نپائید و فرزندانش پس از او به هند مهاجرت کردند. (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۹۰-۱۱۹)

در اسناد و منابع تاریخی و رجال شناسی طی ۱۱۴۲ق تا ۱۱۶۰ق، از علما و مدرسین فراوانی یاد شده است. به عنوان مثال، می توان از میر محمدتقی رضوی معروف به میرشاهی یاد کرد که در دوره نادرشاه متولی آستانه بود. (زنگنه، ۱۳۸۱: ۵۸) عبدالحی رضوی از خاندان سید رضوی نیز مورد توجه نادر قرار گرفت. در حکمی از او به عنوان خلاصه السادات میرزا عبدالحی الرضوی متولی سرکار فیض آثار نام برده شده است. (همان: ۱۰۷/۳) از خاندان رضوی می توان از محمدحسین رضوی نیز نام برد. او تا ۱۱۶۲ق زنده بود و مقرری دریافت می کرد. (همان: ۱۱۹) شیخ حسین عاملی مشهدی (م ۱۱۷۵ق) و سید محمد سبزواری که در دوره نصرالله میرزا امام جمعه مشهد بود نیز از علمای سرشناس آستانه بودند. (همان: ۳۳/۱) حضور آنان در آستان مقدس و دریافت مقرری (جنسی معادل خروار و نقدی)^۱ بابت مدرسی و درواقع، تعلیم و تربیت دینی، راهگشای افق دید محققین این دوره درباره رویکرد مذهبی نادرشاه و رویارویی او با اوقاف خواهد بود که به دلیل کثرت اسناد صرفاً به تعدادی از آن ها اشاره

۱. خروار واحدی برای وزن بود. هر خروار معادل صد من تبریزی بود و شامل ۳۰۰ کیلوگرم می شد.

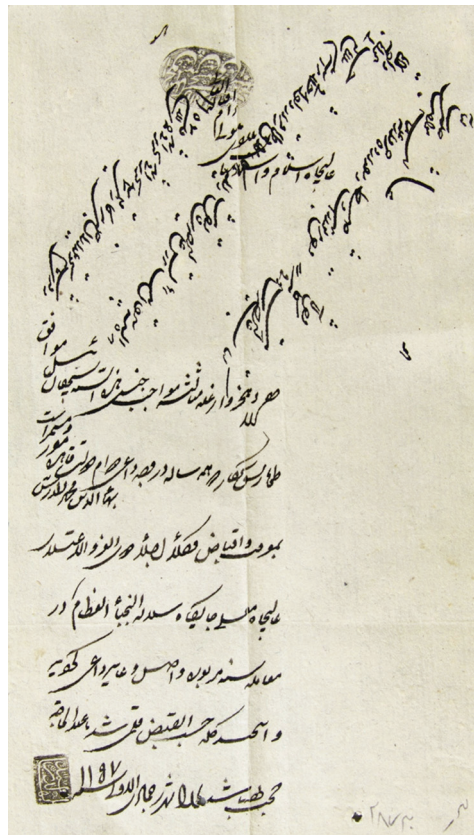
می‌شود. مولانا علی اکبر مدرس والامقام از علمای خراسان بود که در چندین سند حضور او در آستانه تصدیق شده است. در ۱۱۴۱ق میزان دریافتی او ۲۴ خروار گندم و ۱۲ خروار جواز موقوفات منزل آباد بوده است. (ساکماق، ۱: ۳۴۶۹۸) (تصویر ۱)



تصویر ۱: پرداخت وظیفه و مقرری به مدرسان آستان قدس در تخاقوی ثیل ۱۱۴۱-۱۱۴۲ق (ساکماق، ۱: ۳۴۶۹۸)

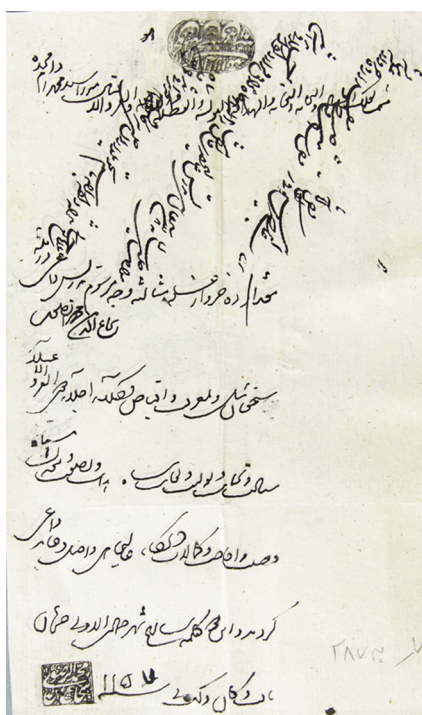
به دلیل عدم ذکر نام خراسانی نمی‌توان تأیید کرد که این شخص همان ملاعلی اکبر خراسانی روحانی همراه نادرشاه بوده است یا خیر؟ بهاءالدین محمد مدرس که با عنوان ملا و میرزا هم یاد شده است، به مدرسی مشغول بود. او در ۱۱۴۱ق ۱۵ خروار گندم و ۱۵ خروار جواز موقوفات کلاچه نوقان مشهد دریافت می‌کرد. (ساکماق، ۱: ۳۴۶۹۸) در ۱۱۵۵-۱۱۵۶ق، میزان دریافتی او ۱۰ خروار جنسی و ۶ تومن نقد (ساکماق، ۲: ۳۶۸۶۹) و در ۱۱۵۷ق ۱۰ خروار غله مثاله^۱ بوده است. (ساکماق، ۳: ۲۸۷۳۰) (تصویر ۲)

۱. غله مثاله یعنی تقسیم کل غله بر سه بخش که معمولاً گندم و جو و ارزن بوده است.



تصویر ۲: پرداخت موجب به مدرسان در ماه جمادی الاول ۱۱۵۷ ق.

همچنین برای ملا محمد بهاء الدین ۶ تومن نقد و ۱۰ خروار جنس ذکر شده است (ساکماق، ۳۷۱۶۱: ۳). شجاع الدین محمد مدرس رضوی در ۱۱۵۵ ق و ۱۱۵۶ ق، ۱۰ خروار تبریزی غله و ۳ تومان نقدی مقرری داشته است (ساکماق، ۳۶۸۶۹: ۳) و در ۱۱۵۷ ق، ۱۰ خروار غله مثالثه برای او ثبت شده است. (ساکماق، ۲۸۷۳۰: ۷) (تصویر ۳) همچنین در سندی دیگر در همین سال، میزان ۳۰ نادری دو مثقال و نیمی به عنوان وجه مرسوم ۶ ماه تدریس در دوره تولیت سید محمد متولی برای او ثبت شده است. (ساکماق، ۲۸۷۳۱: ۱)

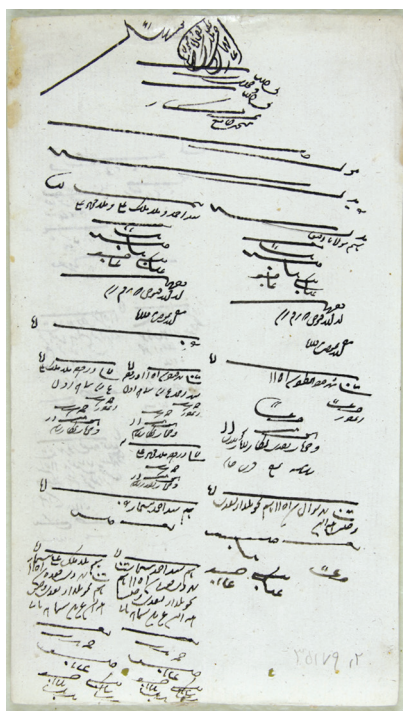


تصویر ۳: پرداخت مواجب به مدرسان در ماه جمادی الاول ۱۱۵۷ق (ساکماق، ۲۸۷۳۰: ۷)

شیخ محمد حسین مدرس (همان)، امام جمعه و جماعت ارض مقدس بوده و مدرسی عالی قدری محسوب می شده است. او شاگردان زیادی در فقه و اصول داشت و در مسجد جامع گوهرشاد تا ۱۱۹۰ق نیز تدریس می کرد. میرزا مهدی شهید شاگرد او بود. قبر او در یکی از کوهپایه های مشهد زیارتگاه محلی است. (بسطامی، ۱۳۹۰: ۱۲۶) میزان دریافتی آقا محمد حسین مدرس در ۱۱۴۱ق، ۱۵ خروار تبریزی غله و ۱۰ تومن نقد (ساکماق، ۳۴۶۹۸: ۲) و در ۱۱۵۷ق طی سندی با حکم متولی آستانه، ۸ خروار غله تبریز مثالثه برای او در نظر گرفته شده است. (ساکماق، ۲۸۷۳۰: ۱) همچنین در ۱۱۶۰ق، مبلغ ۵ تومان دریافت می کرده است. (ساکماق، ۳۳۷۴۲: ۱) برای شش ماهه دوم او سندی پیدا شد که ضمن حکم مدرسی و حضور در مسجد جامع گوهرشاد، ۱۰ تومن نقد و ۱۰ خروار غله تبریزی برای او دستور داده شده است. (ساکماق، ۳۳۸۶۰: ۱)

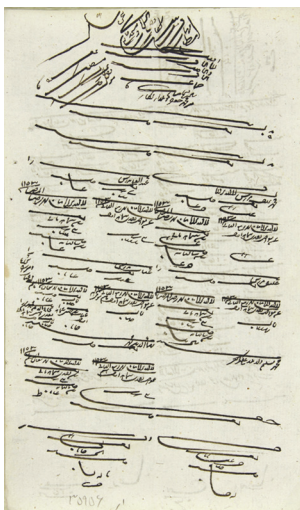
یکی از مهم ترین عالمان برجسته مشهد، میرزا رفیعا گیلانی (م ۱۱۶۰ق) بود. او و برادرش میرزا شفیعا، وابسته به خاندان مجلسی بودند. (دوانی، ۱۳۷۲: ۴۳۵/۷) میرزا رفیعا عالمی برجسته بود. آثار او عبارت اند از رساله ای در وجوب عینی نماز جمعه، شواهد الاسلام علی

اصول الکافی، رساله در نفی خلافت ابی بکر، رساله در تخییر در صلاة جمعه. (حسینی یزدی، ۱۳۷۸: ۲۳۵) علاوه بر این، رساله الاجتهاد و التقليد از اوست (حزین لاهیجی، ۱۳۳۲: ۳۸۳-۳۸۴) میرزا رفیعاً گیلانی چهل سال در مشهد سکونت کرد که همزمان با حکومت نادرشاه بود. از این رو، مورد احترام و تکریم همگان بود. اهل بخارا با اینکه سنی مذهب بودند با او مکاتبه داشتند و نذرها و هدایایی برایش به مشهد می فرستادند. (دوانی، ۱۳۷۲: ۴۲۲/۸) ظاهراً همین روابط باعث شد که عده‌ای به او تهمت سنی بودن وارد نمایند که با سخنرانی و موعظه برطرف شد. (حسینی یزدی، ۱۳۷۸: ۲۳۶) در منابع آمده است نادرشاه به حضور او اعتراضی نداشت و میرزا رفیعاً در طول عمر خود در مشهد مورد احترام و تکریم نادرشاه و رضا قلی میرزا بوده است. (بهبهانی، ۱۳۷۵، ۱۰۶؛ دوانی، ۱۳۷۲: ۴۲۲/۸) اعتمادالسلطنه نیز او را مجاور و میتاً به ارض مشهد اقدس معرفی کرده است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۲۶: ۴۰۸/۲) همچنین وی به نام مولانا شیخ محمد رفیع نیز آمده است. (مدرس، ۱۳۴۱: ۴۱) او در ۱۱۴۹ ق و ۱۱۵۰ ق، ۲۰ خروار گندم و ۲۰ خروار جو از موقوفات آستانه دریافت داشته است. این میزان در ۱۱۵۱ ق یکسان بوده و صرفاً ۱۰ خروار جو از او کاسته شده است. (ساکماق، ۳۵۱۷۹: ۲) (تصویر ۴)



تصویر ۴: پرداخت مواجب مدرسان و پیشنمازان مسجد جامع کبیر ۱۱۵۱-۱۱۵۲ ق (ساکماق، ۳۵۱۷۹: ۲)

میزان احترام او در میان عالمان آستانه حتی بعد از مرگش تا حدی بود که دست‌نویسی از او در ۱۱۶۰ق مبنی بر سفارش برای بعضی از طلاب علوم دینی مورد توجه قرار گرفت و برای آنان مقرری در نظر گرفته شد. (ساکماق، ۳۳۸۶: ۴) ملا محمد شفیع (شفیعا) مدرس در ۱۱۴۱ق، ۲۰ خروار تبریزی غله (ساکماق، ۳۴۶۹۸: ۵؛ ۳۴۶۹۹: ۵) و در ۱۱۵۳ق، ۱۵ خروار غله و ۲۰ (ناخوانا) نقدی برای او ثبت شده است. (ساکماق، ۳۵۹۵۶: ۱) (تصویر ۵)



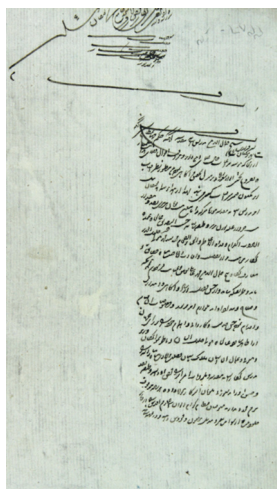
تصویر ۵: پرداخت مواجب مدرسین و حفاظ آستان قدس توسط محمدجعفر تحویلدار نقدی ۱۱۵۳ق (ساکماق، ۳۵۹۵۶: ۱)

عبدالعلی مدرس که گاه او را میرزا و گاه ملا خطاب می‌کردند از جمله دیگر مدرسین خوش نام آستانه بود. او در ۱۱۴۱ق، ۱۶ خروار گندم و ۱۶ خروار جو دریافت می‌کرد. (ساکماق، ۳۴۶۹۸: ۴) همین دریافت در ۱۱۵۳ق، به ۱۰ خروار سالیانه، ۶ تومن و ۳ هزار دینار تغییر یافته است. (ساکماق، ۳۵۹۵۶: ۱) میرزا عبدالعلی در ۱۱۵۵ق و ۱۱۵۶ق، ۱۰ خروار غله و ۶ تومن نقدی (ساکماق، ۳۶۸۶۹: ۱) و در ۱۱۵۷ق، ۱۰ خروار غله مثالثه (ساکماق، ۲۸۷۳۰: ۵) و در ۱۱۵۹ق، ۶ تومن نقد و ۱۰ خروار جنس دریافت داشته است. (ساکماق، ۳۷۱۶۱: ۳) در ۱۱۶۰ق حقوق او ۶۶ نادری در شش ماه سال ثبت شده است. (ساکماق، ۳۳۶۵۰: ۱) غیاث‌الدین محمد مدرس در ۱۱۴۱ق، از محل دکانین موقوفه و به اجاره داده شده خیابان سفلی مشهد، ۹ هزار دینار وجه نقد مقرری دریافت داشته (ساکماق، ۳۴۶۹۸: ۲) که این میزان در ۱۱۵۳ق به صورت حقوق ۶ ماهه نقدی و ۱۰ خروار سالانه جنسی بوده است. (ساکماق، ۳۵۹۵۶: ۲)

برای آقا علی نقی حسینی مدرس در ۱۱۴۱ ق، ۲۰ خروار تبریزی غله ثبت شده است. (ساکماق، ۳۴۶۹۸: ۴) او در ۱۱۵۳ ق، ۶ تومان و ۳ هزار دینار نقدی و ۱۰ خروار سالیانه غله (ساکماق، ۳۵۹۵۶: ۱) و در ۱۱۵۵ ق و ۱۱۵۶ ق، به میزان ۸ خروار غله و ۳ تومان دریافت داشته است. (ساکماق، ۳۶۸۶۹: ۲) (تصویر ۶) در ۱۱۶۰ ق که حکومت نادرشاهی به زوال می‌رسید، شیخ جمال‌الدین محمد عاملی مدرس آستانه به مقدار ۲۰ خروار تبریزی غله و ۸ تومن تبریزی نقدی دریافت می‌کرد. (ساکماق، ۳۳۸۶۰: ۳) (تصویر ۷)



تصویر ۶: پرداخت مواجب به مدرسان آستان قدس ۱۱۵۵-۱۱۵۶ ق (ساکماق، ۳۶۸۶۹: ۲)



تصویر ۷: صورت احکام و فرامین انتصابات کارکنان مسجد جامع در شش ماهه دوم ۱۱۶۱-۱۱۶۲ ق (ساکماق، ۳۳۸۶۰: ۳)

شاید با نگاهی اجمالی به اسناد و مطالعه علمی منابع بتوان به این مهم دست یافت که فعالیت مدرسین آستانه محفوظ بوده است. مسلماً ضرورت‌های نظامی نادرشاه و عدم حمایت او از علما در دستگاه حکومت، وابستگی تولیت به حاکم سیاسی مشهد، نظارت حاکم مشهد بر درآمدهای اوقافی و نحوه تخصیص آن، به حوزه آستانه و غیره در مقایسه با دوره صفویه، درآمد مدرسین را کاهش داده است، اما این مسئله ضدمذهبی بودن و ضدشیعه بودن نادرشاه را بیان نمی‌کند. بعد از مرگ او بود که آستانه تاراج شد. در ادوار بعد از مرگ نادرشاه، گزارش‌های دال بر بی‌احترامی به علمای آستانه در دست است. نادر میرزا نواده نادر، با تاراج آستان قدس رضوی، خود را در میان مورخان بدنام ساخت. در *مرآت الاحوال جهان‌نما*، از او به عنوان «شقی ملعون بی‌دین نادر میرزا» نام برده شده که «به دلیل خبث ذاتی او ضریح طلای امام رضا» را برداشته است. (بهبهانی، ۱۳۷۰: ۲۲۲) قزوینی در *فوائد الصفویه* از نادر میرزا و نصرالله میرزا به خوبی یاد نمی‌کند «این دو به اموال آستانه دست‌درازی کردند و خشت‌های طلا و ضریح طلا را غارت کردند و مقدار زیادی از مال وقف امام را به خرج خود درآوردند و میرزا ابوطالب اصفهانی طبیب متولی با آن‌ها شریک در این غارتگری بود». (قزوینی، ۱۳۶۷: ۱۵۶-۱۵۷)

ظاهراً علت این تاراج به دلیل جنگ‌های سیاسی و بحران بی‌پولی خاندان افشار بوده است. نادر میرزا در ۱۲۱۰ق مورد تعرض میر محمدخان عرب زنگویی حاکم جنوب خراسان و از سویی تیمورشاه درانی فرزند احمدخان درانی هم قرارگرفته بود. (گلستانه، ۲۵۳۶: ۴۳۴) نادر میرزا نه تنها در این سال، بلکه سال‌های بعد نیز به اموال آستان مقدسه دست‌درازی کرد. میرزا مهدی اصفهانی که به واسطه اقامتش در مشهد به خراسانی مشهور شده بود، در قبال رفتارهای نادر میرزا مخالفت کرد. در ۱۲۱۷ق، زمانی که فتح‌علی‌شاه، سردارش محمدحسین خان را مأمور فتح مشهد کرد، نادر میرزا دروازه‌های شهر را بست، مردم در سختی افتادند. میرزا مهدی صاحب شرح کتاب *الدورس الشرعیة و الهدایة در شرح کتاب کفایه* (حبیب‌آبادی، ۱۳۶۲: ۶۴۵/۳) که پناهگاه مردم محسوب می‌شد، مردم را به خود فراخواند تا وقتی سردار قاجاری به شهر وارد شود مردم در حرم مطهر پناه بگیرند. به گفته فردوس *التواریخ* او پنهانی با سردار قاجاری قرار گذاشت تا مردم علیه او نجنگند و در عوض نادر میرزا را تنها گذاشت. نادر میرزا با آگاهی از این برنامه‌ها به حرم مطهر حمله برد و «اشاره به زدن و بستن آن سید مظلوم کرد و سید برادر کتک در ۱۲۱۸ق درگذشت». (بسطامی، ۱۳۹۰: ۱۲۹-۱۳۰) قطعاً که در دوره نادرشاه در مشهد چنین رویدادی رخ نداده بود.

فهرست تعدادی از مدرسان آستان قدس رضوی در دوره افشاریه (مأخذ: نگارنده)

نام مدرس	سال	میزان مقرری
میرزا بهاء الدین محمد مدرس	۱۱۴۱ق	۱۵ خروار گندم و ۱۵ خروار جو از موقوفات کلاچه نوقان
	۱۱۵۵ق، ۱۱۵۶ق	۶ تومان نقد و ۱۰ خروار جنس
	۱۱۵۷ق	۱۰ خروار غله مثالثه
	۱۱۵۹ق	۶ تومن نقد و ۱۰ خروار جنس همراه با حکم مدرسی
شجاع الدین محمد مدرس	۱۱۵۵ق ۱۱۵۶ق	۳ تومان نقد و ۱۰ خروار جنس
	۱۱۵۷ق	۳۰ نادری دو مثقال و نیمه وجه مرسوم تدریس ۶ ماهه اول
	۱۱۵۷ق	۱۰ خروار غله مثالثه
آقا محمد حسین مدرس	۱۱۴۱ق	۵/۷ خروار گندم و ۵/۷ خروار جو و ۱۰ تومان نقد
	۱۱۵۷ق	۸ خروار غله تبریز مثالثه به همراه حکم سالانه
	۱۱۶۰ق	۵ تومان نقد از مدرسی مسجد جامع
	۱۱۶۰ق	۱۰ خروار غله تبریزی و ۱۰ تومان نقد برای مدرسی مسجد جامع و حکم کار و حقوق مدرسی
مولانا رفیع مدرس	۱۱۴۹ق ۱۱۵۰ق	۲۰ خروار گندم و ۲۰ خروار جو
	۱۱۵۱ق	۲۰ خروار گندم و ۱۰ خروار جو
مولا / ملا محمد شفیع مدرس	۱۱۴۱ق	۱۰ خروار گندم و ۱۰ خروار جو
	۱۱۵۱ق	۱۰ خروار گندم و ۱۰ خروار جو
	۱۱۵۳ق	۱۵ خروار جنسی و ۲۰ (ناخوانا) نقدی
عبدالعلی مدرس	۱۱۴۱ق	۱۶ خروار گندم و ۱۶ خروار جو
	۱۱۵۳ق	۱۰ خروار سالیانه ۶ تومان و ۳ هزار دینار
	۱۱۵۵ق، ۱۱۵۶ق	۱۰ خروار جنسی و ۶ تومان نقدی
	۱۱۵۷ق	۱۰ خروار غله مثالثه
	۱۱۵۹ق	۶ تومان نقد و ۱۰ خروار جنس
	۱۱۶۰ق	۶۶ نادری نقدی شش ماهه اول

میرزا غیاث الدین محمد مدرس	۱۱۴۱ ق	۹ هزار دینار وجه نقد از دکانین خیابان سفلی
	۱۱۵۳ ق	۶ تومان و ۳ هزار دینار نقد و ۱۰ خروار جنسی
	۱۱۴۱ ق	۱۰ خروار گندم و ۱۰ خروار جو
آقا علی نقی حسینی مدرس	۱۱۵۳ ق	۶ تومان و ۳ هزار دینار نقد و ۱۰ خروار جنسی
	۱۱۵۶ ق	۳ تومان نقد و ۸ خروار جنس

نتیجه

بررسی وضعیت مدرسین آستان مبارک رضوی درجایی که مرکز فرمانروایی نادرشاه بود می‌تواند در کنار سایر تحقیقات درباره رویکرد دینی نادرشاه مفید و پاسخگوی وضعیت دینی جامعه آن زمان باشد. همان‌طور که اشاره شد، عدم توجه رسمی حکومت نادرشاه در مقایسه با دوره صفویه به عناصر فرهنگی - مذهبی مردم شیعه مذهب جامعه، باعث این نظریه شده که او ضد مذهبی است، اما باید دانست که نادرشاه قصد نداشت مذهب شیعه مردم ایران را با سرکوب و آزار رساندن تغییر دهد، بلکه اصولاً دارای اعتقادات عمیق مذهبی نبود. به هر حال، این واقعیت داشت که صفویان شیعه مذهب، به شدت مراسم و اعیاد مذهب شیعه را مورد احترام و تکریم قرار می‌دادند و نادر به لحاظ سیاسی و رسمی از آن‌ها حمایت نکرد، او از هر چیزی که خصوصیات حکومت صفوی را زنده می‌کرد، دوری می‌جست. تضعیف بدعت‌های صفویان، به معنای دشمنی با تشیع نبود، بلکه به معنای قلع بنیان این سلسله بود. نادر به غیر این چند مورد که قطعاً هم می‌توانست نقاط جنگ سنی و شیعی باشد، در سایر امورات مذهبی مردم دخالتی نکرد. هیچ گزارشی مبنی بر مخالفت مذهبی او علیه مردم شیعه ایران وجود ندارد. از سوی دیگر تمام مفهوم شیعه (مگر شیعه سیاسی) در قالب لعن خلفای راشدین و مسئله اذان و عید غدیر جمع‌بندی نمی‌شد. نادرشاه فقط بر همین موارد اصرار کرد، چراکه این‌ها را بدعت شیعیان غالی صفوی نژاد می‌دانست که باعث شده بودند مرزبندی دقیقی بین مذهب سنی و شیعه در ایران به وجود بیاید. آیا می‌توان این سؤال را مطرح کرد که اگر او یک سنی مذهب یا بی‌مذهب بوده و مانع اعتقادات مذهبی شیعه توده مردم ایران می‌شده چگونه است که مدرسین شیعه در ارض اقدس به فعالیت خود ادامه می‌دادند؟ چه در سال‌های اولیه قدرت و چه زمانی که استبداد و یکه‌تازی او حد و مرزی برای تدبیر سیاسی باقی نمی‌گذاشت، تولید آستانه به کار خود ادامه داده است. چنین می‌نماید که در مقایسه با دوره صفویه عالمان در دستگاه سیاسی نادر حضور نداشتند تا

منابع تاریخی قدرت نهاد دینی را جزیی از ملزومات نگارشی خود بداند. اگر به این واقعیت که قدرت نهاد دینی متکی به حمایت رسمی حکومت است، نگاه دوباره‌ای بیندازیم و ملزومات سیاسی بعد از حمله افغان و تعارضات مملکتی در حوزه پیروان تشیع و تسنن در بطن آن قرار گیرد، واقعیت رویدادهای تاریخی بهتر درک خواهد شد. با بررسی چندین سند از بین صد و هجده سند در زمینه دریافت مقرری مدرسین آستانه از محل موقوفات آستان قدس رضوی چنین دریافت می‌شود که موقوفات مشهد نه در مقایسه با دوره صفویه، بلکه به اندازه‌ای که به نظریه این تحقیق قوت بدهد، بر سر جای خود باقی بود. طومار علیشاهی و اشاره به اوقاف و ضبط آن توسط نادرشاه می‌تواند به محدودیت اوقاف مشهد و سایر موقوفات مملکت اشاره داشته باشد که درآمد آن می‌توانست صرف مخارج آستانه شود، اما به منابع دیگر تخصیص می‌یافت. چنانچه ذکر شد، هیچ سندی در زمینه حذف اوقاف تاکنون موجود نبوده و فقط می‌توان با توجه به کاهش درآمد مدرسین نسبت به دوره صفویه به این نتیجه رسید که درآمد مقداری از اوقاف ضبط دیوان می‌شده است. مدرسین در آستان مقدس رضوی و مسجد جامع حضور داشتند و طلاب علم و مردم از حضور آنان بهره می‌بردند.

منابع

- استرآبادی، میرزا مهدی. (۱۳۴۱). *تاریخ جهانگشای نادری*. تصحیح عبدالله انوار. تهران: انجمن آثار ملی.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن. (۱۳۲۶). *مطلع الشمس*. ج ۱-۳ (یک مجلد). تهران: سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی.
- بهبهانی، احمد بن محمد علی. (۱۳۷۰). *مرآت الاحوال جهان نما*. به اهتمام علی دوانی. تهران: امیرکبیر.
- بهبهانی، احمد بن محمد علی. (۱۳۷۵). *مرآت الاحوال جهان نما*. به اهتمام علی دوانی. تهران: مرکز اسناد رسمی و انقلاب اسلامی.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۳). «نادرشاه و مسئله تقریب». *کیهان اندیشه*. (شماره ۶۲).
- حزین لاهیجی، محمد علی. (۱۳۳۲). *تاریخ حزین*. اصفهان: کتاب فروشی تأیید.
- حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۲). «تاریخچه تشکیلات اداری آستان قدس رضوی در دوره صفویه». *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*. (شماره ۷۰-۷۱)، ۳۵-۴۳.
- حسن آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۵). «متولیان آستان قدس رضوی از دوره صفویه تا افشاریه». *دفتر اسناد*. ج ۲-۳. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- حسینی یزدی، محمد علی. (۱۳۷۸). *دانشمندان خوانسار*. قم: کنگره بزرگداشت آقا حسین خوانساری.

دوانی، علی. (۱۳۶۲). *وحید بهبهانی*. تهران: امیرکبیر.

دوانی، علی. (۱۳۷۲). *مفاخر الاسلام (دانشمندان لاهیجانی)*. ج ۷-۸. تهران: مرکز فرهنگی قبله.

رجایی، سید مهدی. (۱۳۷۸). *احوال و آثار علامه محمد اسماعیل مازندرانی اصفهانی مشهور به ملا اسماعیل خواجهویی*. اصفهان: مانا.

زنگنه، ابراهیم. (۱۳۸۱). *مشاهیر مدفون در حرم رضوی*. ج ۱، ۳. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. شاملو، ولی قلی. (۱۳۷۴). *قصص خاقانی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

شعبانی، رضا. (۱۳۵۹). *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه*. ج ۱-۲. تهران: دانشگاه تهران.

شوشتری، میر عبداللطیف. (۱۳۶۳). *تحفه العالم و ذیل التحفه*. به اهتمام صمد موحد. تهران: کتابخانه طهوری.

فاضل بسطامی، نوروزعلی. (۱۳۹۰). *فردوس التواریخ (تاریخ ارض اقدس)*. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

فاطمی مقدم، زهرا. (۱۳۹۱). «سیاست‌های وقفی عصر نادر و موقوفات آستان قدس رضوی». *پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی*. (شماره ۱)، ۳۷-۶۱.

فتح‌الله پور. پرویز. (۱۳۸۵). «تشیع در دوره نادر شاه افشار» *شیعه‌شناسی*. (شماره ۱۶)، ۵۷-۹۶.

قزوینی، ابوالحسن. (۱۳۶۷). *فوائد الصفویه*. تصحیح مریم میر احمدی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

گلستانه، ابوالحسن. (۱۳۲۰). *مجمل التواریخ پس از نادر*. تصحیح محمدتقی درس رضوی. تهران: شرکت و طبع کتاب.

مدرس رضوی، محمدتقی. (۱۳۷۸). *سال شمار وقایع مشهد از قرن پنجم تا سیزدهم قمری*. به کوشش ایرج افشار. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

مدرس، میرزا عبدالرحمن. (۱۳۴۱). *تاریخ علمای خراسان*. تصحیح محمدباقر ساعدی. بی جا: کتابفروشی دیانت.

مرعشی، میرزا خلیل. (۲۵۳۶). *مجمل التواریخ*. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.

مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل. (۱۳۶۲). *مجمع التواریخ*. تصحیح عباس اقبال. تهران: طهوری و سنایی.

مروی، محمدکاظم. (۱۳۶۴). *تاریخ عالم‌آرای نادری*. تصحیح محمدامین ریاحی. ج ۱-۳. تهران: زوار.

مستوفی همدانی، میرزا اسماعیل. (بی تا). *آثار الرضویه من متخبات اصدیقیه* (کتابچه صدیق الدوله). مشهد: بی نا.

معلم حبیب‌آبادی، میرزا محمدعلی. (۱۳۳۷). *مکارم الآثار در احوال رجال و علما در دوره قاجار*. ج ۳. اصفهان: نفائس مخطوطات.

معلم حبیب‌آبادی، میرزا محمدعلی. (۱۳۶۲). *مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار*. ج ۱-۲. اصفهان: نشاط.

هنوی، جونس. (۱۳۸۳). زندگی نادرشاه. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: علمی و فرهنگی.

اسناد

ساکماق (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)

۳۵۹۵۶، ۳۵۱۷۹، ۳۷۱۶۱، ۳۳۸۶۰، ۳۳۷۴۲، ۲۸۷۳۱، ۳۷۱۶۱، ۲۸۷۳۰، ۳۶۸۶۹، ۳۴۶۹۹، ۳۴۶۹۸
۳۵۶۳۷، ۳۳۶۵۰.